

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیہ (جبل المتین)

عنوان مراسلات
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر ادارہ آقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روزہ
طبع و توزیع میشود

یومیہ

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانہ

طهران ۳۰ قران
حایر بلاد داخلہ ۳۵ قران
روسیہ و قفقاز ۱۰ منات
حایر ممالک خارجہ ۳۰ قرانک

قیمت یک نسخه
در طهران صد دینار
حایر بلاد ایران سہ ماہی است

قیمت اعلان مطری
دو قران است

روزنامه یومیہ ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعہ
بامضا قبول و درانتشارش ادارہ آزادامت

شنبه ۹ شوال المکرم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۳۰ ابانماہ جلالی ۸۲۹ و ۱۶ نوامبر ۱۹۱۰ میلادی

مقاله لایحه یکی از رجال غیور

مقاله قیامت خیز شرر انگیز که در نمره (۱۵۴)
چریده یومیہ درج فرموده بودند بشارت اسارت را که
از دیر باز بطور کنایه اشاره میکردند اینک وضوحا
تشریح نموده

سر مرده بی روح آتش غیرت افروخت و
جان هر ایرانی را بحیثی را سر ناپا درخجالت و انفعال سوخت
لیت امی لم تلدنی . . . ایکاش مرده بودیم و باین بدبختی
دچار ذلت نداشتیم ایکاش نام ایرانیت را از ما بر
میداشتند تا تک بزرگی در صفحات تاریخ بیاد کار
نمیگذاشتیم ایکاش یکذره از غیرت ملت فرانسه را بهمه
این خاک قسمت میکردند که امروز خاکی بسر کرده در
جلو این طوفان بنیان کن جانهای خود را وقایه نموده
تا آخرین نفس در استقلال مملکت خود میگوشتیم و
ما باین خفت لباس انکسار و مذلت نمیپوشیدیم (ارا الله)
لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا . . .

بخدای یگانه قسم امت هر چه هست از قامت ناساز
بی اندام ما نیست قدر نعمت نمیدانیم و بدست خود خانمان
خود را خراب میخواهیم و از راه جهل و نادانی و
بلای قاق و بی علمی کیشه بریشه خویش میزنیم لاله در قائله
(دشمن بدشمن آن که بستد که بیخورد)

(با جان خود گندبمراهوای خویش)
از کدام درد بیدرمان بنالیم مشروطیت را باز بچه
تصور کرده و ملاحظه انکاسته ایم و بخیالات جاهلانه و اغراس
نسانیه عامیانه این بنای محکم را دست و خاطر محترم
و کلای خود را به اراجیف تلگر ای و پست مشغول
داشته یکباره ایشانرا از وظایف خویش بمطالب مسقطه

سر گرم داشتیم و وقت عز یزهان را که باید بمصری
امورات مهمه مملکتی و پلتیکی و وضع قوانین مصروف
باشد بهیچ ضایع کرده ایم و از طرفی دیو سیرتان آدمی
صورت که تنگ ملت اند میدان مقصود را باز دینده
مزم ترک تاز شدند القاء شبهات نمودند دولت را از
ملت و ملت را از دولت رنجاندند که امروز و سیله
بزرگ پیشرفت امورات که اتحاد معنوی است به کلی از
میان رفته شق عصای مسلمین را بطور دلخواه نمودند
دشمنهای خانگی از گوشه و کنار دست بکارند . . .
رشته انتظام از هم کسبخت و حرف له و شد
قوه مجریه از کار افتاد مجازات یکباره از این ملک
رخت بر بست حریت و آزادی قانونی را در هرج
و مرج دانستیم قومیت و ملیت را در بی نظمی تصور
نمودیم عدالت را در خود سری پنداشتیم گذانک . . .
قشون که بجای روح حیوانی مملکت است از سکار
افتاده و اندا در اذهان عقلا در اینمدت یادآور نشد کویا
همچو متصور آمد که اطراف این خاکرا دیوار آهنین
یا حصار ذوالقرنین کشیده اند وجود عساکرو لشکر بی
ثمر بلکه مضر بحال کنونی میدانستیم — افسوس
که همه درمکاتب جزو دروس مقدمانی بکرات خوانده ایم
(نواحی ملک از بد بسکال نیکه بلشکر توان داشت لشکر مال)
با اینحال اشتغالات بیفایده نکذات بهیچوجه متذکر
اینمضی شویم و مسلما در نظر هم نمیآوردیم و هنوز هم
نخواهیم آورد که اینهمه حوادث بزرگ و بلاهای ناکهانی
که از همه طرفی بسا رو کرده بچه چیز دفع
و رفع خواهیم کرد چنان در خواب راحت و بستر
استراحت نموده ایم که کویا در محم امن و امان و وفارغ از حوادث

روز داریم خود را و دلخوش داریم ملت هیور بیدار شده کجا است؟ اثر بیداری چه شد؟ غیرت و دین داری این چه بیداریست که آنهمه فریادهای را می شنویم؟ این چه غیرت و هوشیاریست که در فکر اصلاح امور و حفظ خانه خود نیستیم؟ این چه خوابی است که از مرگ بیدار است؟ هر ساعت هزاران ناله و استغاثه از اطراف بلند است سر از بالین تن آسائی بر نمی داریم این چه ملیت و اسلامیت است که اتفاق نداریم و باز در هر سری سودائی و در هر نائی نوائی می بینم و می شنویم و در کمال جد و سعی سنک تفرقه در میان خود می اندازیم این چه عصیبت است که نمرهای جان گذاز روزنامه هارا هنیده ابدأ جنبشی در خود احساس نمیکنیم و باز فکر دسته بندی و مفایرت و اتلاف نفوس یکدیگر و اختلاف کلمه می گوئیم

باز هم وقت آن نرسیده که برادرانه سنک های تقار و غرض را از دامنهای بریزیم و مانند صدر اسلام مساک اخوت و مساوات را پیشنهاد خود نموده برای حفظ مذهب و استقلال ملیت بگوئیم و رطب و یابس را بختنار گذارده و اسبه بمیدان عمل در آئیم و از لفظ بهمنی داخل شویم آیا هنوز وقت آن نرسیده ملت با دولت انفساق و اتحاد واقعی نمایند و در غم و شادی و رنج و تیمار یکدیگر هریک شوند و به معاضدت و مظاهرت یکدیگر جاوگیری از سیلهای خانمان برانداز بنمایند آیا هنوز وقت نشده که شاهزادگان و بزرگان مملکت ایران را وطن خود و مقبره محترم نیاکان و اسلاف خود بشناسند و دامن همت و مردانگی را بکمر زده آنچه را اجدادشان در استقلال این آب و خاک گردند و جانها در راه این مملکت فدا نمودند اینان عشری از اعشار آنها امروزه بکنند که دوان بدران و رفتگان را از خود شاد و راضی نمایند آیا موع نیست که حجج اسلام متفق الکلمه حفظ بیضه اسلام و صیانت شرع مقدس مصطوی (ص) وجهت همت ساخته بهمم عالیه در خوشی این ملت مسلمان را که سالهاست مانند قوم بنی اسرائیل در تیه حیرت سرگردان مانده اند با راضی مقدسه انسانیت و آدمیت که اهم مقاصد شارع مقدس است برسانند و سایه رحمت و ظل عنایت خود را بر مفارق انام محدود دارند که این اختلاف آراء از میانه بر خیزد و این مردم بیچاره آسودگی و فراغت حاصل نمایند

آیا هنوز وقت نشده عوام دست از خیالات جاهلانه و حرکات وحشیانه خود بردارند و اغتشاهات حاخاه را مبدل بنظم نمایند و سرا پاگوش باشند برای اوامر مجلس مقدس شورا ملی و مساوت بانظام

امورات مملکتی و قبول قوانین تربیت و تمدن
آیا هنوز زود است که دشته های نیز و رولوه های خون ریز را که برای حرکات بیرحمانه و اتلاف نفوس خویش و بیگانه در جیب و مل نهاده ایم به دور انداخته در عوض آلات و ادوات و افزار صنعت و کسب که موجب آبادانی مملکت است بدست گرفته خانه خراب خود را بدست رنج خویش آبدن کنیم که اقدر محتاج اجانب نباشیم

آیا هنوز وقت آن نرسیده که نام و حشیکری و بر بریت را از خود بر داریم و در نظر اجانب خوار و بیقدار نماییم حصارا تاکی باید دشمن کام بود و این خاک پاک ایران را طرف طعنه و ملامت و شناعت قرار داد و صفحات جراید و تواریخ خسارچه را از اخبار بی نظمی و وحشیگری خود پیر نمائیم وسیله بدست آنها داده مارا از سیاهان آفریقا و بومیان امریکا پستتر شمارند

آیا ممکن نیست که از طرفی مجلس مقدس به تمام انجمن های ایالتی و ولایتی امروزه کید شود که بر عایا و مالیات گذاران خود خاطر نشان کنند که بشروطه شدن دولت نباید مالیات حقه را نرسانید چنانکه اعتقاد عموم مردم بر این است و تا کنون نصف مالیات هده السنه در ترد رعیت مانده حکومت قدرت وصول ندارد و مردم هم خیال دادن نه سال باخر رسیده عما قریب از میان خواهد رفت و آنچه هم وصول شده حکام و مباشرین هوش جان خواهند فرمود؟

آیا باز زود است که وزرای ما معاونین و اجرای ادارات خود را از اشخاص عالم وطن پرست انتخاب فرمایند با دلتش و اطلاع مطرود و مردود نمایند؟

آیا هنوز آن ساعت نیک تعیین نشده که بانک ملی را که امروز با اعتقاد جمیع عخلای عالم اولین وسیله نجات و آزادی این مملکت است بیک همت مردانه و اتفاق غیرتمندانه تاسیس و تشکیل داده و بیک جنبش غیورانه این گشتی در گرداب افتاده که قریب بهلاکت واضع جلالست نجات بدهیم و این نام نیک را برای اخلاف خود یادگار بگذاریم و این خود آسان ترین کاریست که میتوانیم بکنیم و آب رفتن و آبروی ریخته خود را باز آبریم افسوس افسوس که هنوز منتظریم دست غیبی از خزانه لاریبی بانک مارا فراهم کرد. و ما بدون حساب بیریم و صرفی خیالات فاسده خود نمائیم؟

آیا هنوز موقعی نرسیده که یک مجلس بزرگ در بهارستان تشکیل شود تمام و با کلاء محترم و اعیان و شاه زادگان و وزراء کشور

وامراء لشکر که برآن مجید حفظ اساس مشروطیت را قسم خورده اند در اینجا جمع شده مخاطرات عاجل و آجل را که از هر طرف باین مملکت رو کرده و خواهد کرد به بیان گذارده در اصلاحات خانه خود همان یکدر و یکرای شده بکنند آنچه دیگران کردند و بدلم ثابت نمایند هنوز ملت ایران نمرده و در قید حیثیت و برای حفظ وطن خود حاضرند و عرق حمیت و اسلامیت و تصب ایرایت جاست آیهانوز راضی نباید شد که ارباب حقوق و مخصوصا امخاص باثروت بمیل خاطر یک نلت از حقوق خود را در راه حفظ وطن دست باز دارند که بصرف تهیه قشون و ترتیب اردوئی برسانند که اقتدر در انظار خفیف و سر کشته نمایم ؟

آیا دیگر موقع از این سختتر خواهیم داشت که ابد ابفکر اصلاح قشون و نظام مملکت نباشیم این روز را بروز دیگر این ساعت به ان ساعت بگذریم و انتظار داریم که کار گذاران ملاءاعلی ز (جنود آلم تروها) حفظ سرحدات ما را نموده و نظردخلة ما را خواهند داد ؟

آیا توقع نیست و انصاف تقاضا نمیکند و عذ و خطبای ما برای خدا حروف بزنند و در تربیت خلق بکوشند و راه انسانیت و نظم را نشان بدهند اقتدر این مردم سرکردان را دست آویز مقاصد خویش ن سازند آیا هنوز بانه موقع نرسیده ایم که مدیران جراید سبک و سلیقه خود را در نوشتن روز نامه جات تغییر داده از عبارات محشر و لغو و نفاق انگیز قدری قلم را باز دارند و در عوض بزبان حکمت آمیز تصحیح اخلاق فاسده خلق را بنمایند و قدری بفکر عوام مملکت افتاده از مفاق نویسی گزاره گرفته عبارات را سهل و ساده در خور ذهن عوم ادا فرمایند (ترسم آزرده هوی ورنه سخن بسیار است) (امضا محفوظ)

(شکایت نامه اهالی نراق)

مدیر محترم حبل المتین را بامام عصر عجل الله فرجه قسم که این لایحه را در روز نامه محترمه درج فرمایند شاید بگنهر حدایرست غیرتمند بر ما رحم کند و بطور استنطاق و رسیدگی ما را از دست ظلم و عدوان صدر را ونجی وحسین نرائی برهاند در حقیقت آزاد کند و عیایای نراق بدبخت ستم کش را)

چندی است که در این ممالک محرومه از عنوان مشروطیت سخن در میان است و تمام جریده نگران مینویسند ماچا کران هنوز ندانسته ایم که عرض از مشروطیت چیست و روزنامه مینویسد که فواید دولت مشروطه حفظ حقوق تمام نفوس و اجرای قانون مجازات اعمال است ما نمی دانیم که این قواعد برای تمام

احاد و افراد نفوس اهالی ایران جاری است یا برای بعضی دون بعضی اگر قواعد حکم مطاع مشروطیت برای عامه است مگر مارعیث فقیر ضعیف نراق از جمله نفوس اهالی ایران نیستم سبب چیست که هرچه اظهار نظرم از دست حاجی صدر را ونجی که خاین دولت و ملت است و فتنه و فساد او عالمی را برهم زده که تمام اعیان و ارکان از حال او واقف هستند چرا مجازات او را نمیدهند این شخص در ایام شبان در را ونج جمعی اشرار و الواط را بدور خود جمع کرده مشغول چاپیدن دهات اطراف بود حتی بناموس خلق دست انداز بود مگر از دیوان مامور برای دستگیری او رفت با تفنگ جواب داد و یگدغه میرزا علی اکبر خان حاکم عراق او را گرفته اقتدر چوب زد که بکنا بستری بود تمامی زیاد داد مستخلص شد تمام دارائی بنی اعمام خود را بفسب متصرفی شد بعد از چندی بطهران آمده متوطن شد و بلباس علم در آمد در زمان صدارت مرحوم امین الدوله و میرزا علی اصغر خان فتنها کرد زمان مهاجرت حجج اسلام بزایوه مقدسه حضرت عبدالعظیم افسادها نمود و نراق را تیول کرد در زمان مهاجرت حجج اسلام بقم بقدر القوه در فساد ولتت کوهید تا زمان سلطنت اعلی حضرت شهریار تاجدار محمد علی شاه روحاندا بر شیطنت و فساد افزود و بمکاتبه و مخایره باسم محمد امین در عراق عرب خصوصا نجف اشرف القاء شبهه کرد حال چندی است که براونج آمده در اینصفحه بنای اسناد کگذارده عرایض از قول اهالی سایر البلوک بنجف اشرفی نوشت که ما مشروطه نمیخواهیم در میان جمیعت نسبتها بمجلس مقدس شورای و حضرت آیتین و حاجتین و سایر حجج اسلام میدهد که زبان تقریر و قلم از تحریرش عاجز است در تمام مجالس جاسارتها میکند حسین نراقی که پنجاه سال خود و برادرها و طایفه اش بیجان و مال و ناموس اهل نراق سلطنت و اسال مکرر از وزارت عدلیه و وزارت داخله او را برای احقاق حق ما منقلهین بیچاره خواستند و تجافی کرد فعلا او را با جمعی اشرار بدور خود جمع کرده مشغول شرارت هستند از جمله تدلیسات او آنکه میرزا محمود خان نالها است که حاکم محلات و نراق و سایر البلوک است

این اوقات عریضه جعلی باسم اهل نراق درتکی و نظلم از او بمجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه نوشته برای آنکه بتدلیس چند روزی پسر خود را که آقا ضیاء نام دارد و رئیس اشرار این صفحه است بیایات نراق فرستاده و از هدت ظلم و تمندی او بحضور حضرت

اشراف والا آقای ظیل السلطان تظلم نمودیم و او را مزبور فرمودند این بدلیسات را میگذر نمیدانیم ما یک مشت رعیت بیچاره چگنیم یکی تظلم کنیم از دست ظلم این مفسد بگجا فرار نمائیم اگر فی الحقیقه مجازات در کار است چرا او را مجازات نمیدهند چرا او را در مقام استنطاق و محاکمه نمی آورند چرا شر او را از سر ماها دور نمی کنند (عموم اهالی نراق)

(بشارت)

هواخراهان عالم مطبوعات را بشارت باد که همین ایام از طری جنوب ستاره نورانی طالع و صفحه بنادر را منور خواهد ساخت یعنی فرخنده روز نامه بنام (آزاد) در بندر لنگه که یکی از معتبرترین بنادر جنوبی ایران است بهمت جناب عبورهمام علاء السلطان که مجسمه حمیت و هیكل آذیت است و توجه انجمن محترم آزاد لنگه صادر خواهد کردید و چشم و دل همگان را روشن خواهد ساخت

بواسطه حسن ظن صدور اجازه طبع و نشر آنرا از وزارت جلیله معاری محول باداره ما فرموده بودند و چون در موقعی این خدمت را محول داشتند که عموم اعضاء اداره گرفتار امر توقیف و تعطیل جریده یومیه بودند و مجال انجام انخدمت مر آنرا نبود جناب آقای صدر الانام باصالت از خود و وکالت از ما همت معاری خواهان فرموده اجازه طبع و نشر و امتیاز را گرفته و ما را ممنون لطف خود ساختند ، بهرحال از خداوند ازدیاد معاری و مطبوعات آزاد وطن عزیز و ترقی آنها را خواهانیم --

(مکتوب شهری)

خدمت ذی شرافت منیر محترم روز نامه مقدس حبل المتین با کمدیل توفیر و احترام زحمت داده خواهشمند که شرح ذیل را در جریده خودتان درج فرمایند : مکرر در باب اصلاح امور مملکت و چاره جوئی پیاره اموری که متصل ظاهر شده است تضرع اوقات مجلس مقدس ملی شیدالله ارکانه و وزراء مسئول شده و خواهد شد صحبت شد این بنده لزوم تاسیس (کولسی دتا) Conseil d'Etat را اظهار کرده ام ولی کمال تامل را دارم از اینکه بعضی ها این عنوان بنده را بک چیز اختراعی تصور کرده و بعضی هم می شنوم که ایرادک پانین عنوان بنده می نمایند برای توضیح مسئله عرض می کنم که اولاً (کولسی دتا) Conseil d'Etat که ترجمه آنرا اگر بزبان فارسی بخواهیم بکنیم شورای دولت است بک مسئله اختراعی نیست و اغلب دول متمدنه در ممالک خودشان آنرا دارند حتی در مملکت فرانسه باوجود

اینکه تمام امور مملکتشان مرتب شده است هنوز (کولسی دتا) دایر است و وجود انرا از هر جهت لازم میدانند تا چه رسد به ممالکیکه هنوز هیچ يك از ترقیبات انها مرتب و مهیا نشده است

ثانیاً با وجود ایراد بعضیها تکراراً عرض میکنم که تاسیس (کولسی دتا) خیلی لازم و بقیده شخصی بنده عقرب لزوم این محسوس همه خواهد شد برای رد ایراد بعضی ها و محض خیر خواهی و وطن پرستی و توضیح عنوان خود این مختصر را زحمت دادم و چون شخص حضرت عالی را بصیر و قارئین جریده محترمه را عالم باصلاح امور میدانم باین جهت تصریح فواید (کولسی دتا) و لزوم تاسیس انرا برای تسهیل پیشرفت مجلس مقدس و مصالح راجعه بکابینه وزراء محول باذهان پاک قارئین نمودم (ممتاز الدوله)

(حبل المتین)

آری تاسیس کنسی دتا بسیار مفید و نافع است زیرا که در این مجلس امور تهیه شده و قوانین مرتب گشته و مهام پلیکی تصدیه میگردد و در حقیقت يك معاون بزرگی است برای مجلسین شوری و سنا و هم در حکم مستشاری است برای مجلس وزراء و میتواند فائد های بزرگ بملت و مملکت برساند و شرح اثر ا مقامی دیگر لازم است تا برای اطلاع عموم توضیحات لازمه داده شود و اذهان را لزوم آن معلوم گردد - اما مهمتر از آن امروز مجلس معظم سنا است که رکن رکین مشروطیت و یکی از منابع سناکانه قوانین است چنانکه امروز قوانین صادره ماناقلص است خوب است هر چه زودتر در تاسیس و دائر ساختن آن توجه فرمایند

(اعلان)

تماشای سینو ماتوگرافی عکس متحرک که از اول ماه رمضان در خیابان علاء الدوله عکاسخانه روسی خان هر شب دائر بود ، حال از اول شهر شوال هفته دو شب دو هفته و شب جمعه از یکساعت از شب گذشته هر ساعت معین دائر و تماها های نوظهور داده میشود و يك دستکاه هم برای فروش با تمام لوازمات بقیمت مناسب فروخته خواهد شد (روسی خان)

(اعلان)

خدمت عموم آقایان مروض میدارد که در مدافه در سیر کسبان در خیابان لاله زار قرب خانه حاجی امین السلطنه بتزکی چراغ برق (الکتریک) وارد کرده بجهت مناسب بفروش میرساند طالبان رجوع فرمایند (حسن الحسینی الکاشانی)